

نامه سرگشاده مهندس بازرگان به امام

سه کلمه گله مخلصانه بازرگان

به رهبری پدران انقلاب اسلامی ایران

این گلایه یا نامه سرگشاده حقاً می‌بایستی خصوصی و حضوری باشد ولی بعد از فرمایشاتی که روز چهارشنبه ۶ خرداد در خطاب به نمایندگان از بام جماران به همه مردم ایران و جهان اعلام داشتید، عدالت و ادای وظیفه اجازه می‌دهد مطالبی را که بنا به تکلیف شرعی و ادای حق ملی در دل داشتم به صورت عمومی ابراز دارم. یقیناً با سعه صدر رهبری و انصاف اسلامی که مورد انتظار و عامل اقتدار است تلقی خواهند فرمود.

۱- ضمن سخنان سرنوشت‌ساز آن روز فرمودید ملت جز اسلام چیزی نمی‌خواهد و کسانی که اعتراض دارند خود را می‌خواهند نه ملت را و اگر با اسلام بد هستند به اروپا و آمریکا بروند. مؤدبانه باید سؤال کنم که این نظر آیا دور از واقعیت و انصاف نیست؟ افراد زیادی از نویسندگان و نمایندگان و خود بنده که یکی از اعتراض‌کنندگان می‌باشم نه خودخواه ضد اسلام هستیم نه جدای از مردم کوچک و بازار. اسلام نیز عنوان بسیطی نبوده ابعاد و چهره‌های فراوان دارد که بسیاری از شکایت‌کنندگان میان مردم اعم از مقدس و غیرمقدس درد و دادشان از عدم اجرای صحیح اسلام در ابعاد مختلف آن و بدنام شدن اسلام است. البته اکثریت مردم این مملکت مؤمن و دلسوخته انقلاب و علاقمند به استقرار جمهوری اسلامی هستند ولی شکایت و نظریاتی هم دارند که ناشی از شخصیت و رشدشان می‌باشد. با چنان قضاوت قاطعانه و مثبت بی‌دریغ که از مقام والای رهبری نثار هر صاحب درد و داد شد آیا جایی برای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و برای آزادی عقیده و انتقاد و تظلم که از پایه‌های قانون اساسی است باقی خواهد ماند؟

البته تصریح فرموده بودید و کلام بسیار بجایی بود که «انتقادات آزاد است به اندازه‌ای که نخواهند کسی یا گروهی را خفیف و از صحنه خارج کنند. انتقاد برای ساختن و اصلاح امور است.» اما نگرانی و تجربه گذشته این است که متولیان و آنها که خود را متکی و در خط امام اعلام می‌نمایند تا چه حد پایبند این کلام و عامل خلاف آن نبوده و نباشند.

۲- موقعی که در آبان ماه ۵۷ در پاریس خدمتتان رسیدم و صورتی از اشخاص موجه مورد اعتماد برای مشاوره در امور آینده مملکت از بنده خواستید و پس از آن در بهمن ماه همان سال که در تهران افتخار تشکیل دولت موقت و انتخاب وزرا را به بنده دادید در هر دو مورد تأکید می‌فرمودید که افراد معرفی شده انحصاراً از گروه خودتان نباشند زیرا که نمی‌خواهم بگویند من متعلق یا طرفدار دسته خاص

هستم. نکته‌ای بود بسیار حکیمانه که از طرف نهضتی‌ها به خوبی درک و اطاعت شده، در تمام دوران دولت موقت از هر گونه فعالیت و ارتباط حزبی خودداری می‌کردیم. ملت ایران نیز که در اثر ناراضی‌های انباشته شده ۵۵ سال پهلوی با وحدت کلمه و به صورت یکپارچه به دنبال جنابعالی راه افتاده به حول و قوه الهی موفق به آن قیام اسلامی پیروزمندانه شدند انتظار و اعتقادشان نسبت به رهبر بزرگوار انقلاب همین عدم تمایل و طرفداری از جناح معین بود و اثبات حالت پدری یکسان نسبت به همگان.

متأسفانه برداشت غالب حاضرین در آن مجلس و شنوندگان بعدی و بهره‌برداری که به عمل آمد یک نوع طرفداری خاص و تأکید یک جانبه برای طبقه ممتاز و حزب و گروه‌هایی بود که تظاهر به وابستگی و در انحصار داشتن امام را می‌نمایند.

مدتی است ملیون و روشنفکران مسلمان و ایرانیانی که چهره تند انقلابی به خود نگرفته‌اند مورد بی‌مهری رهبری قرار گرفته با اصرار و تکرار، خدمات ارزنده زمان پیروزی انقلاب و قبل از آن آنان را انکار می‌فرمایند. گویی که کلاً خارج از دین یا جدای از مردم و ضد انقلاب هستند. باید دید با نفی مبارزات و مبارزین گذشته و طبقات غیر روحانی چه خیری عاید انقلاب و جمهوری اسلامی که احتیاج شدید به التیام و اتحاد دارد، می‌شود.

روحانیت تشیع با همه مقام و موقعیت که به لحاظ معلم اسلام و مدافع مسلمین داشته است احترام و محبوبیت خود را مدیون تقوا و تواضع و پیوند با مردم می‌داند نه تسلط و تمایز و تبلیغات. همچنین رفتار و روابط آقایان تنظیم‌کننده منزلت و نفوذشان بوده است نه تکریم یا توهین سلاطین و توطئه و تلقینات خارجی‌ها.

۳- تنبیه و توبیخ‌هایی که درباره نمایندگان و نویسندگان و دولتمردان در عدول از حق و عدالت و در عدم رعایت قانون می‌فرمودید کاملاً به جا و اصولی بود اما رنگ تند ضد دین دادن به گفتار و کردارهایی که با سوءنیت یا غفلت و احیاناً به قصد خدمت در قالب‌های اداری و اجتماعی و سیاسی از اشخاص سر می‌زند این خطر بزرگ را پیش می‌آورد که در مناقشات گروهی و اختلافات مرامی کینه و کشتارهای غیرقابل مهار و دور از انسانیت و اسلامیت به وجود آید. مگر آن که مصلحت دیده باشید که برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی جو وحشت و شدت عمل ایجاد گردد.

آیا با حربه اسلام و قرآن و با تهمت خروج بر خلیفه خدا یا رافضی بودن و تفرقه افکندن نبود که بنی‌امیه و بنی‌عباس و عثمانی‌ها آن فجایع و بلاها را به سر اهل بیت و شیعیان و آزاد اندیشان مسلمان درآوردند؟ امان از آن زمان که به شیوه کلیسای قرون وسطی برداشت و برخوردهای حکومتی و اجتماعی و فرهنگی در مجاری دینی انحصار یافته افتد و چماق تکفیر حاکم اختلافات گردد.

اگر مسئول و مقامی حتی رییس جمهور شانه از اطاعت قانون خالی کند با وجود اصول ۱۱۰ و ۱۲۲ قانون اساسی که اجازه پیشنهاد و محاکمه و امکان عزل از طرف مقام رهبری را داده است چه حاجت که داغ و درفش مذهبی مفسد فی الارض به میان آمده باشد یا از طنزنویسان و ایرادگیرندگان به نورسیده‌هایی که عنوان مکتب اتخاذ کرده‌اند چنان طرفداری شود که پس‌فردا ببینیم بعد از نیمه شب، دو ژ-۳ به دست کنار بسترمان آمده آخرین مایتعلق یعنی زن حلالمان را با خود ببرند!

اگر مانند حضرت عبدالعظیم که دین خود را به امام زمانش عرضه کرده تأییدیه گرفت مکتبی‌ها نیز

عقاید و افکار خود را جمع‌بندی و دقیقاً تعریف نموده و رفتارشان در چارچوب عصمت تحت نظارت قرار می‌گرفت و امام پس از تضمین لازم و تطبیق با اصول و احکام مسلم اسلام سند سفید مهر تساوی مکتب آن‌ها با اسلام را به دستشان می‌دادند و سپس ایرادگیرندگان را ملعون و مرتد اعلام می‌فرمودند شاید اشکال چندان به بار نمی‌آورد. اما آن‌ها که احیاناً عدم توافق با این‌ها ابراز می‌دارند بیشتر به دلیل احساس عدم انطباق اعمالشان با اسلام و افراط و انحراف‌ها می‌باشد.

در ادوار گذشته تاریخ همیشه سوءاستفاده از اختلاط دیانت با سیاست در امور اجرایی حکومت و سیله شیطانی وحشتناکی بوده است که سلاطین جور با هم دستی غاصبین معاند بر مستضعفین ناس و بر چهره تابناک توحید وارد ساخته، جهل و ظلم را حاکم می‌نمودند.

با امید چاره‌اندیشی خدایسندانه عاجل، بار دیگر سلامتی و محبوبیت و عزت رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی را در تعلق و توجه به عموم ملت ایران و ایجاد محیط عدالت و امنیت از درگاه سبحان مسئلت می‌نمایم و از گستاخی صادقانه که در راه رضای خدا و خواست خلق مرتکب شده‌ام پوزش می‌طلبم.

و کذلک جلعناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

مهدی بازرگان